

نگاه

زندان باز و امید

برای بازگشت به جامعه

سمیه افشین فرا هرچند از گذشته

زندان محلی برای نگهداری مجرمان بوده و تصاویر ذهنی هر کدام ما از زندان میله‌های بزرگ و برج دیده‌بانی است، اما براساس قوانین موجود، از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، زندان هم انواع مختلفی دارد که زندان باز یکی از انواع آن به‌شمار می‌رود. زندان باز شرایط خاص خود را دارد و برای نگهداری گروهی از محکومان به حبس کاربرد دارد. حشمت‌الله حیات‌الغیب، مدیرکل زندان‌های استان تهران در مراسم افتتاح کارخانه دوچرخه‌سازی قزلحصار گفت: تعداد زندانیان شاغل در تهران ۸ هزار و ۱۴۷ نفر است که از این تعداد، ۳ هزار و ۲۴۷ نفر اشتغال‌نشسته دارند، ۲ هزار و ۲۳۴ نفر شاغل کارگاهی اند و ۲ هزار و ۲۶۶ نفر در زندان‌های باز مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال تقسیم می‌شوند.

وی افزود: «مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال شامل دو بخش مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کاردمانی است. براساس آیین‌نامه، در این نوع زندان، محکومان شب‌ها در خوابگاه‌های اختصاصی یا گروهی نگهداری و روزها از برنامه‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای و تفریحی استفاده می‌کنند و در کارگاه‌های داخل زندان به کار مشغول می‌شوند.»

علایی با بیان اینکه مراکز حرفه‌آموزی هم ممکن است محصور یا نامحصور باشند، گفت: «مؤسسات حرفه‌آموزی و اشتغال ممکن است درون زندان و یا مؤسسه‌های خارج از سازمان باشند. مؤسسه‌های درون زندان، کارگاه‌هایی است که در داخل یا کنار زندان ایجاد می‌شود و زندانیان در آنها به کار و فعالیت می‌پردازند و پس از ساعات کار هم به آسایشگاه‌های درون زندان بازمی‌گردند. اما مؤسسه‌های خارج از سازمان، مؤسسه‌های منتهی، کشاورزی و خدماتی است که امکان است در مالکیت سازمان زندان‌ها یا سایر سازمان‌های دولتی یا غیردولتی یا عام‌المنفعه یا مؤسسه‌های خیریه یا تعاونی یا بخش خصوصی باشد که با هماهنگی سازمان زندان‌ها، زندانی مجاز به فعالیت در آنها است.»

علایی افزود: «براساس ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، کلیه محکومان با توجه به نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار، براساس تصمیم شورای طبقه‌بندی، حسب ورود در زندان‌های بسته یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال نگهداری می‌شوند، مگر آنکه مقام قضایی صادرکننده حکم، در رأی صادره، محل خاصی را برای نگهداری محکوم تعیین کرده باشد. به‌طور کلی افراد شرور و خطرناک که امکان حضور در برنامه‌های گروهی را ندارند یا ممکن است باعث ایجاد شرایط نامناسب برای دیگران شوند، در زندان بسته نگهداری می‌شوند.»

آیین کارشناس حقوقی در ادامه بیان اینکه امروز در دنیا بیشتر کشورها در حال حرکت به سمت زندان‌های باز هستند، تأکید کرد: «رأی باز فرصتی برای زندانی است تا بتواند در کنار گذران محکومیت، ضمن بهره‌مندی از برنامه‌های اصلاحی یا حضور در کارگاه‌ها و کارخانجات تأیید شده، هم به اشتغال مشغول باشد و هم درآمد داشته باشد. هرچه تعداد بهره‌مندی زندانیان از رأی باز بیشتر فراهم باشد یعنی می‌توانیم آموزش‌های بیشتری در حوزه اشتغال در اختیار این افراد قرار دهیم و آنها را برای داشتن یک زندگی اجتماعی و شغل در جامعه آماده کنیم. با این کار درواقع آنها یک قدم از جرم و آسیب اجتماعی دور شده‌اند. با این همه، فراهم شدن شرایط برای بهره‌مندی زندانیان از رأی باز، مقدّماتی می‌خواهد که نیازمند توجه همه دستگاه‌های متولی، خیرین و کارفرمایان است.»



عکس‌ها: ایرنا

گزارش «ایران» از کارگاه

ساخت دوچرخه در زندان قزلحصار

زندان‌انی که با کار امیدوار شدند

گزارش

سمیه افشین فرا

خبرنگار

اجزای مختلف دوچرخه - که رؤیای کودکان بسیاری است - دست به دست می‌چرخد. دوچرخه‌های رنگی، احتمالاً رؤیای روزهای کودکی بیشتر این زندانیان هم که در این سوله بزرگ مشغول به کارند، بوده است. آنان، بیج و مهره‌ها را سفت و رویه و زین را مونتاژ می‌کنند تا صبح‌شان شب شود و یک روز دیگر به سر برسند. سوله بزرگ و سرد است، اما کارگران در کارگاه مشغول کارند. کسی چه می‌داند وقتی محمد، سامان، نوید یا هر کدام از این مردانی که در این کارگاه قطعات مختلف دوچرخه را سرهم می‌کنند، چه در سرشان می‌گذرد؛ شاید «رؤیای آزادی». نگاه‌های پر از غبار از غم و در عین حال کنج‌کاو و امیدوار هر کدام‌شان که به جرم مصرف یا حمل مواد مخدر در زندان هستند، گویای این است که می‌خواهند زندگی‌شان را تغییر دهند و امیدوارند با یادگیری یک شغل و حرفه بتوانند بعد از آزادی، یک زندگی متفاوت را تجربه کنند.

راندن بوده. می‌گوید: «از صبح شروع می‌کردم تا شب. آخرش هم یا ماشین خراب می‌شد و هرچه داشتم باید خرج ماشین می‌کردم، یا خرج مواد از «خستگی» به مواد پناه بردم. هم فروشنده بودم و هم مصرف‌کننده!»

حالا اینجا در یک چیز مشترکند، جرم همه آنها در حوزه مواد مخدر است. مثل محمد که ۲۳ سال بیشتر ندارد و به جرم حمل شیشه باید مدتی را در حبس بگذرانند. او قبلاً از اینکه روزهای زندگی‌اش را در قزلحصار بگذراند،

را با حک کردن نام جگرگوشه‌اش به خود یادآور می‌شود. بیشترشان پدر هستند، بیشترشان جوان هستند و قبل از اینکه پایشان به زندان باز شود، خانواده و زندگی داشته‌اند. داستان زندگی هر کدام شاید متفاوت باشد، اما

اینجا غم غربت با کار رنگ می‌بازد
خالکوبی نقطه مشترک بیشترشان است: کلمات رنگارنگی که به زندانی امید می‌دهد. کلماتی مثل «انتظار»، «نگاه مادر»، «چشمان خسته پدر» یا نام کودکی که انگار زندانی، پدرانگی‌اش

هرچی درمی‌آوردم، برای مواد می‌دادم. انگار از این کار لذت می‌بردم. برای من فروختن مواد لذتی داشت که نمی‌تونستم رهاش کنم. این قدر در این منجلباب فرو رفته‌م که زخم درست دو ماه بعد از پدر شدنم خانه را ترک کرد و من هر لحظه در حسرت دیدن دخترم می‌سوزم.»

مجتبی به خودش قول داده که دیگر سمت مواد نرود و برای همه فروشنده‌ها و مصرف‌کننده‌ها دعا می‌کند تا خودش را از این ورطه خارج کنند. امیدوارانه می‌گوید: «ان‌شاء‌الله اگر بعد از آزادی کواهینامه اینجا را بگیرم و بتوانم با آن وام دریافت کنم، می‌توانم ماشین بخرم و زندگی تازه‌ای را شروع کنم.»

محمد یکی دیگر از زندانیانی است که در خط تولید کارخانه دوچرخه‌سازی قزلحصار کار می‌کند. او که به جرم حمل و نگهداری مواد باید بیش از ۱۱ سال را در قزلحصار بگذراند، از روزهایی می‌گوید که این سوله متروک بوده: «اینجا حتی سقف هم نداشت، اما امروز به این حد رسیده. احساس مفید بودن می‌کنم. صبح که از خواب بیدار می‌شوم خوشحالم که کاری برای انجام دادن هست. اینجا خیلی بهتر از بند است، اصلاً نمی‌فهمم کی شب میشه.»

محمد از صبح پشت چرخ خیاطی دسته‌های رنگی دوچرخه را به یاد دختر خردسالش می‌دوزد. وقتی از او که قبلاً سنگتراش بوده می‌پرسم چی شد که به قزلحصار رسیدی، می‌گوید: «سنگتراش بودم، کارم خوب بود. یک دفعه صاحب مغازه اجاره را از سه میلیون تومان به ۱۵ میلیون تومان رساند و نتوانستم از پس هزینه‌ها بر بیایم. لدم می‌خواست شرمند زن و بچه‌هایم که شرمندتر شدم.»

نوید ۴۹ ساله قبل از اینکه پایش به قزلحصار برسد و روزهای زندگی‌اش را پشت میله‌های زندان گره بزند، مغازه داشته. می‌گوید: «حدود ۲۰ سال در کار پرده‌دوزی و تزئینات پرده بودم. اما درست مانند بقیه ساکنان قزلحصار، مشکلات، جوانی و هزاران دلیل و توجیه دیگر باعث شده تا به سمت مواد بروم. بعد هم: «زخم متارکه کرد و هرچه داشتم از دستم رفت.» حالا بیش از هفت سال را باید اینجا باشد که دو سال و نیم‌اش گذشته. نوید می‌گوید:

«از روزی که کارگاه‌ها راه افتاده، سرم گرم شده. از ۹ صبح تا ۴ بعدازظهر اینجا مشغولم. با بچه‌ها روزی ۵۰ تا چادر هلال‌احمر می‌دوزیم.»

او رؤیاهایی هم برای روزهای بعد از زندان دارد: «میرم سراغ مغازه‌ام هر طور شده روبه‌راهن می‌کنم و دیگه هم سمت مواد نمی‌رم.»

هرچه باشد داستان زندان و زندانی روایت غم و درد و غربت است اما می‌توان امیدوار بود که با احداث کارگاه‌ها و آموزش مهارت‌های بیشتر، زندگی ساکنان دیار غم بعد از آزادی رنگی باشد.



رئیس سازمان زندان‌ها: به‌دنبال

اجرای راهبردی خوابگاه-کارگاه

در ندامتگاه‌های کشور هستیم.

با اجرای برنامه تحول و تعالی

قوه قضائیه برای توسعه اشتغال

زندان‌ها، قصد داریم تا در

زندان‌های مرکزی سوله‌های

اشتغال را تجهیز و در مجاورت

آنها خوابگاه‌های زندانیان را

ایجاد کنیم



مدیرعامل بنیاد تعاون زندانیان

کشور: کارآفرینان می‌توانند همه

امکانات مثل زمین، سوله و انرژی

را در زندان‌ها با هزینه‌ای بسیار کم

داشته باشند و به تولید محصولات

خود مشغول شوند. به منظور

ایجاد اشتغال برای زندانیان، با

کارآفرینان همکاری داریم چرا که

هر زندانی اگر حرفه‌ای بیاموزد و

مشغول به کار شود، آسیب هم

کمتر می‌شود

داستان زندگی‌اش شباهت زیادی به

داستان زندگی مجتبی ۳۰ ساله دارد

با این تفاوت که مجتبی فوق‌دیپلم

گرافیک است. او هم عشق ماشین

و رانندگی است و قبل از قزلحصار از

«کله سحر تا بوق سگ» پشت فرمان

بوده اما خسته نمی‌شده: «اگر یک

میلیون و خرده‌ای کار می‌کردم ۸۰۰

تومان آن را برای مواد می‌دادم و بقیه را

هم خرج ماشین می‌کردم. محل زندگی

ما پراز موادفروش بود. با دوستان و

رفقا از مصرف سیگار و مشروب تقنی

شروع کردم و یک روز به خودم آمدم و

دیدم هم مصرف‌کننده و هم فروشنده

هروتن شده‌ام.»

از مجتبی می‌پرسم مگر گرافیک

نخواهند ای؟ می‌گویند گرافیک

رشته پرکاری است و پول خوبی هم

می‌توانستی در بیآوری. چرا در رشته‌ای

که خوانده بودی کار نکردی؟ خنده تلخی

بر لبانش نقش می‌بندد و می‌گوید:

«من همیشه عاشق ماشین بودم. درس

خواندم اما به زور پدر و مادرم! هیچ

علاقه‌ای هم به رشته‌ام نداشتم. فقط

خواندم که خانواده‌ام راضی باشند. به

زور و اجبار خواندم وگرنه من همیشه

عاشق مکانیکی و سرور که زندان با ماشین

بودم.» مجتبی ۱۲ سال قبل هم یک بار

مواد را از زندگی‌اش کنار گذاشته بود،

ولی طاقت نیاورده و دوباره به سمت

مواد برگشته است. می‌گوید: «مواد

برای معنادار دوست و مادر هم بهتر!

به چیزی داره که اصلاً نمی‌تونی رهاش

کنی. وقتی دوباره برگردم سمتمش،



هیچ اجباری در کار نیست

رحیم مطهرنژاد، مدیرعامل بنیاد تعاون زندانیان کشور، در حاشیه افتتاح کارخانه تولید دوچرخه در زندان قزلحصار، در جمع خبرنگاران، در پاسخ به سؤالات متعدد اصحاب رسانه تأکید می‌کند: ما هیچ الزامی در آموزش و اشتغال نداریم، اما سالانه ۸۰ هزار نفر از زندانیان در این دوره‌ها شرکت می‌کنند. ما زندانی را مجبور و مکلف به انجام کار در یک کارگاه نمی‌کنیم. مطهرنژاد، درباره دستمزد متفاوت زندانیان شاغل در کارگاه می‌گوید: سیاست بنیاد، افزایش حقوق و دستمزد زندانیان است. تفاوت دستمزد زندانیان دلالی مختلفی دارد از جمله اینکه برخی از زندانیان تمام ۲۲ روز در کارگاه‌ها مشغول نیستند. به‌طور مثال کارگران مشغول در کارگاه پوشاک به‌صورت تیکه‌دوزی و کارگران مشغول در کارگاه کشش به‌صورت جفت‌دوزی دستمزد دریافت می‌کنند. همچنین برخی وردست و کارآموز هستند اما به‌طور میانگین دستمزد از ۳ میلیون تومان بیشتر است و تلاش ما این است که حقوق و دستمزد آن‌ها به حقوق وزارت کار برسد.

مطهرنژاد در پاسخ به این سؤال که آیا امکان پرداخت دستمزد زندانی به خانواده‌اش وجود دارد، خاطرنشان می‌کند: هیچ مانعی برای پرداخت حقوق زندانی به خانواده‌اش وجود ندارد و بنا به درخواست زندانی این دستمزد را هم می‌توان به خانواده پرداخت کرد و هم به خود زندانی. برخی از زندانیان محکومیت مالی دارند که بسیار محدود است و دستمزد براساس دستور دادگاه به شاکتی برمی‌گردد. وی با اشاره به اینکه ایجاد اشتغال در کشور گران شده است، به راه‌اندازی کارخانه نخب‌نهای و پارچه‌های گردیاد در استان گلستان اشاره می‌کند و می‌گوید: هزینه تأمین زمین، سوله، انرژی و نیروی انسانی گران است اما کارآفرینان می‌توانند همه این امکانات را در زندان‌ها با هزینه‌ای بسیار کم داشته باشند و به تولید محصولات خود مشغول شوند. البته ما به‌دنبال این هستیم که کارآفرین حقوق دستمزد بیشتری به کارگر بدهد اما برای تشویق کارآفرین با شرایط سهیل‌تر برای ایجاد اشتغال برای زندانیان، با کارآفرینان همکاری داریم چرا که هر زندانی اگر حرفه‌ای بیاموزد و مشغول کار شود، آسیب هم کمتر می‌شود.

مطهرنژاد، با اشاره به اینکه به همت بنیاد تعاون زندانیان کشور در چهار استان، چادرهای هلال‌احمر تولید می‌شود، میزان اشتغال مولد و غیرمولد زندانیان ۳۰ تا ۳۵ درصد عنوان می‌کند.

«خوابگاه-کارگاه» جای زندان‌های سنتی را می‌گیرد

مدتی است که ایده زندان‌های سنتی در دنیا گم‌زنگ شده است. شاید برای همین است که سازمان زندان‌ها با کمک بنیاد تعاون کشور تصمیم گرفته به جای مراقبت و نگهداری زندانیان در زندان سنتی، به‌دنبال راهبردی خوابگاه-کارگاه باشد. یعنی با راه‌اندازی کارگاه مثل خط تولید مونتاژ موتور و دوچرخه و قطعات خودرو، زندانیان را برای ورود به زندگی سالم در فیرای آزادی آماده کند. کارخانه دوچرخه‌سازی زندان قزلحصار نیز با همین هدف با ظرفیت ۵۰۰ نیروی کار در محیطی به وسعت حدود هفت هزار مترمربع افتتاح شد. در کنار سوله کارخانه، سوله دیگری نیز به‌عنوان خوابگاه زندانیان تجهیز و مناسب‌سازی شده است تا مددجویان خسته از کار روزانه به راحتی بتوانند به خوابگاه رفته و استراحت کنند.

به گفته رئیس سازمان زندان‌ها، کویتی راهبردی خوابگاه-کارگاه راهبردی جدیدی در ندامتگاه‌های کشور است.

غلامعلی محمدی، رئیس سازمان زندان‌ها، در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به اینکه دنبال اجرای راهبردی خوابگاه-کارگاه در ندامتگاه‌های کشور هستیم، می‌گوید: در پی اجرای برنامه تحول و تعالی قوه قضائیه برای توسعه اشتغال زندان‌ها، قصد داریم تا در زندان‌های مرکزی، سوله‌های اشتغال را تجهیز و در مجاورت آنها خوابگاه‌های زندانیان را ایجاد کنیم چرا که معتقدیم این اقدام باعث افزایش بازدهی کار می‌شود و از طرف دیگر می‌توانیم برای اشتغال از حداکثر ظرفیت زندان‌ها استفاده کنیم. محمدی با بیان اینکه طی دو سال اخیر، دوسه اشتغال به‌عنوان رویکردی اساسی در سازمان زندان‌ها مطرح بوده است، می‌افزاید: اصلاح و تربیت زندانیان، مهم‌ترین رسالت سازمان و اشتغال بهترین بستر برای تحقق این هدف و بازاجتماعی کردن زندانیان است. افتتاح این کارخانه بزرگ دوچرخه‌سازی در زندان قزلحصار برای ما موضوعیت دارد، چرا که زندانی پرجمعیت و محل نگهداری مجرمان موادمخدر است که یکی از آسیب‌های بزرگ اجتماعی است که اشتغال راهکار مناسبی برای مبارزه با این آسیب اجتماعی است.

محمدی با تأکید بر اینکه امروزه ایجاد اشتغال صنعت محور اهمیت زیادی دارد، ادامه می‌دهد: ایجاد اشتغال صنعت محور رویکرد سازمان زندان‌هاست، زیرا پایدارتر است و افزایش درآمد سرانه فرد شاغل و امکان ظرفیت بالای بکارگیری نیروی کار را دربردارد.

برای بعد از آزادی زندانیان هم برنامه حمایتی داریم
رئیس سازمان زندان‌ها در پاسخ به این سؤال که وضعیت این زندانیان بعد از آزادی چه می‌شود و آیا با آموزش‌هایی که دریافت کرده‌اند، می‌توانند وارد بازار کار شوند، با تأکید بر اینکه برای بعد از آزادی زندانیان هم برنامه داریم، می‌گوید: برنامه مراقبت بعد از خروج از زندان هم یکی از تکالیف و مأموریت‌های سازمان زندان‌هاست. در حد بضاعت‌مان برخی از زندانیان را تحت مراقبت‌های بعد از خروج قرار می‌دهیم. البته دست همه فعالان و کارآفرینان حوزه تولید و صنعت را برای ورود به عرصه اشتغال مددجویان می‌فشاریم.

اولویت ما ایمنی است

علی‌اکبر محمودی‌راد، مدیر کارخانه قزلحصار، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: مددجویان روزی ۸ ساعت مطابق قانون کار به کار مشغول هستند. هرچند ما رابطه کارگر و کارفرمایی نداریم و حقوق و مزایای این افراد براساس جدول پرداختی که از سوی بنیاد تعاون در اختیارمان قرار گرفته، پرداخت می‌شود. از مدیر کارخانه درباره رعایت ضوابط ایمنی کارگران می‌پرسم. توضیح می‌دهد: اولویت ما ایمنی است. کفش و لباس و آموزش‌های ایمنی را به افراد داده‌ایم و از آنها تعهد هم گرفته‌ایم. حتی زمان استراحت‌آنان را در نظر می‌گیریم و وقتی مددجو سرحال نیست، اجازه نمی‌دهیم به کارگاه بیايد. از آن گذشته، تهویه و ماسک مناسب را برای کسانی که در بخش رنگ کار می‌کنند در نظر گرفته‌ایم و این افراد روزانه جابه‌جا می‌شوند تا زمان زیادی پشت دستگاه رنگ نباشند. مدیر کارخانه با بیان اینکه کارگران بعد از پایان محکومیت، کواهینامه آموزشی دریافت می‌کنند، می‌گوید: امیدواریم مددجویان با آموزش‌هایی که دریافت می‌کنند بتوانند بعد از آزادی جذب بازار کار شوند.